

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

آزاد ل.

۲۹ سپتمبر ۲۰۱۱



## ربانی هیولای سازش و جنایت

اسلام دینی است که جنگ، بردگی و تاراج زندگی مردم را در چوکات مقدس اسلامی جایز می داند و افراد جامعه هم نظر به معیار های فکری خود و برداشتی که از زندگی، طبیعت و مردم دارند یا به اسلام می گروند یا این که در تضاد با آن قرار می گیرند. البته با در نظر داشت این که در وطن ما بالای مردم، مسلمانی جبری بوده و پیروی بدون چون و چرا از قوانین اسلامی بر آنها تحمیل شده است؛ برای آن که آنان بدون این که آرزو و خواستی در تولد خود در یک فامیل مسلمان داشته باشند، آنجا متولد و تا آخر عمر اسیر خرافاتی به نام دین اسلام می باشند. در کشور ما که بنا بر عوامل مختلف و از آنجمله استبداد و تسلط دولت های غیر مردمی سطح دانش و معرفت مردم ما نسبت به پدیده های ماحول و روابط اجتماعی انسان ها عقب نگهداشته شده است بازار این همه دلالات و واسطه ها بین خدا و انسان در قالب دین به تناسب جوامع پیشرفته رونق بیشتر داشته و اکثریت مردم هم نا آگاهانه و بدون تعمق در اوامر و ارشادات این دینی ها وبا بی توجهی به ماهیت دین خود را مکلف و مجبور به اطاعت می دانند و نمی خواهند از طرف این " دانشمندان اسلام" تکفیر شده و نقطه نیرنگی و قابل توجه مردم باشند.

نیرو های استعماری و امپریالیستی مدتها قبل این نقطه ضعف را در جوامع دینی تشخیص و خواسته اند حد اکثر استفاده را به نفع خود از این فضاء بنمایند و به همین ملحوظ به استخدام و پرورش یک تعداد اشخاصی سست عنصر و بی وجدان که به نام معلم دین، نماینده خدا در زمین و رهنمای دینی انسان‌ها در جوامع عقب نگه‌داشته شده مشهور باشند و یا توسط آن‌ها مشهور شوند پرداخته اند تا در شرایط به خصوص حافظ منافع آن‌ها باشند و این معلمان دین با گر فتن امتیازاتی از آنها سعی بر استقرار و دوام تسلط قدرت‌های استفاده جو و منفعت طلب مفت خور داشته و در سر کوب جنبش های به حق مردم نقش خاینانه بازی نموده و توده های مظلوم و محروم را به آرامش و صبر به امید لطف و محبت خداوند دعوت نمایند.

این معلمان دین، خود پیوسته در خدمت ار باب بوده و متوجه اوضاع جامعه می باشند تا در خدمت به بادران شان کوتاهی رخ ندهد به همین ملحوظ است که در طول تاریخ صادق ترین و باشرف ترین انسانهایی که ضد استعمار و استبداد مبارزه نموده اند از طرف همین ملا و مولوی، کشیش و خاخام ها تکفیر شده و تیر باران شده‌اند و یا این که هم سالها در زندان ها به سر برده‌اند. در چنین جوامعی، دینی ها مخصوصاً آنهایی که در بین رشته یک کمی هم به نام تحصیلات چیزی داشته اند در ردیف اول امتیازها نسبت به ملا های بی‌سواد و مکتب ناخوانده قرار دارند. یکی از این جمله هم "ربانی" بود. "ربانی" از مرکز تهیه جواسیس یعنی "الازهر" شهادتنامه داشته و با ایجاد تنظیمی اسلامی در زمان سلطنت داوود به پاکستان رفته و علناً در خدمت نیرو های استعماری جهان قرار گرفت. در باره وابستگی‌های پروفیسور ملا ربانی لطفاً به نوشته دانشمند محترم موسوی زیر عنوان "در حواشی قتل ربانی" مراجعه فرمائید.

در اینجا مختصراً باید عرض بدارم که "ربانی" چهره چند بعدی و شخصیت سیاسی سازشکارانه داشته و از زمان بنیاد گذاشتن به اصطلاح "نهضت اسلامی" در سال ۱۹۷۱ تا زمان کشته شدن برای رسیدن به امتیاز های نامشروع و نگهداشت قدرت از هیچ نوع خیانت و جنایت دریغ نکرده و برای از بین بردن دشمنانش از هیچ نوع سازش و پیمان بستن با هر جنایت کار دیگر به شمول وطن فروشان خلق و پرچم دریغ ننموده است. سازش، دشمنی و سازش مجدد با دوستم در دوره های مختلف، مخالفت و همکاری و دو باره دشمنی با حزب وحدت و گروه سید کیان آقای نادری، پیسنهاد سازش با طالب ها و سازش با اشغالگران همه و همه شخصیت سیاسی او را تشکیل می داد. در زمان اقامت در پاکستان مثل ملا گلبدین، زندان های شخصی داشته و هزاران هموطن بی‌گناه ما را به قتل رسانیده و از پشتیبانی کامل دولت پاکستان و آی. اس. آی بر خوردار بوده و میلیون‌ها دالر کمک‌های امریکا، عربستان سعودی، امارات متحده عرب را مثل عبدالرسول سیاف، گلبدین، حضرت مجددی، پیر گیلانی، مولوی محمدی و یونس خالص به نام مجاهدین افغانی در جیب زده و قرار اطلاع بعد از مرگ شان حدود ۳۰۰ میلیون دالر ثروت به میراث گذاشتند. با سقوط دولت نجیب گروه "جمعیت اسلامی" و نیرو های "حکمتیار" داخل شهر کابل شده و جنگ بین شان آغاز گردید که در نتیجه به ده ها هزار غیر نظامی در جریان آن به قتل رسید. در این کشتار نیرو های جمعیت در اتحاد با نیرو های دوستم علیه گلبدین می جنگیدند.

مجددی به اساس هدایات نصیر الله بابر و جنرال حمید گل که طراح توافق نامه پشاور بودند رئیس جمهور دو ماهه که با داخل شدن به افغانستان اوشان را جنرالان پاکستانی همراهی می نمودند و بعداً ربانی وارد صحنه شد. مسعود وزیر دفاع او بود و بعد از سیری شدن دوره موقت ربانی نمی خواست از قدرت کناره گیری نماید که مخالفت تعداد زیاد تنظیم های اسلامی را در قبال داشت. "ربانی" برای مشروعیت دادن به ریاست حکومت خود که از حدود ارگ شاهی تا دو کیلو متری آن امتداد داشت یک تعداد از ملا های مربوط تنظیم خود را به نام علمای کرام اسلامی

به دور خود به نام "شورای اسلامی حل و عقد" (۲۹ دسامبر سال ۱۹۹۲) جمع و نظر به فتوای آنان خود را رئیس جمهور قانونی افغانستان اعلام نمود. همچنان جالبتر از این، واقعه‌ای که از دیده درائی این پرو فیسور اسلامی حکایت می‌کند بعد از دو سال لذت بردن از امتیازهای پادشاهی اش واقع شد، می‌باشد.

جریان طوری که همه هموطنان گرامی مطلع اند چنین است:

ملا اسماعیل از هرات در ماه جولای ۹۴ از یک تعداد ملاها و قوماندانهای آدمکش و همچنان از مردمانی که خارج از افغانستان زندگی داشتند، تعداد زیادی را به نام شورای اسلامی غرض انتقال قدرت از ربانی به کسی دیگر که شورا لازم بداند به هرات دعوت نمود که در نتیجه تعداد زیادی از اروپا، کانادا و امریکا به هرات رفتند. در آن جمله داکتر یوسف صدراعظم سابق و مخدوم رهین هم دعوت شده بودند. (این که مصارف گزاف این شورا از کجا تمویل شد نمی‌دانم) جلسه به تاریخ ۲۶ اگست سال ۹۴ در شهر باستانی هرات به اشتراک اضافه تر از هزار نفر دایر شد. هر کسی به نوبه سخن رانی و پیشنهاداتی در مورد انتقال قدرت دولتی داشتند. روز سوم کنفرانس آقای "ربانی" از کابل به مجلس تشریف آورده و بیانیه‌ای که من فشرده آن را تقدیم تان می‌دارم ایراد نمود. در ابتداء ایشان به عربی گفتن شروع و بعد از کمی حاشیه رفتن گفتند:

این شورا به ابتکار اسماعیل خان قهرمان تشکیل شده و من در آن دخالت نداشته و ندارم. اسماعیل خان ابتداء با دیگر رهبران تنظیم‌ها صحبت و من آخرین نفر بودم که موضوع را با من در میان گذاشت و من حاضر شدم و گفتم این مسؤ لیت بزرگ را من نمی‌توانم بیشتر از این بر دوش داشته باشم و حاضر این قدرت دولتی را به کسی دیگر یا شورای اسلامی انتقال دهم و این شورا به کار خود ادامه داد و جناب اسماعیل خان به من تلفونی اطلاع دادند که تمام اعضای شورا و نمایندگان ولایات همه به اکثریت آراء این مسؤ لیت را باز هم به دوش شما گذاشته و توقع دارند آنرا قبول و به وظیفه خود ادامه دهید. اکنون که شما نمایندگان ملت این اعتماد را بر من داشته و مرا دو باره مسؤ ولت اسلامی ساختید مجبوراً آنرا دوام داده و سعی نهائی در رفاه مردم خواهم نمود.....

این بود خلاصه خطابه یک ساعته "ربانی" در شورای اسلامی هرات که بعداً همانهایی که آنجا بودند به تکبیر های اسلامی خود ادامه داده و هر کدام به نوبه خوش خدمتی خود را ابراز داشتند.... این وقاحت و دیده درائی واقعاً از شخصی مثل "ربانی" بعید نبود چه آدم نو کر منش و پستی چون وی به جز همین نوع کار ها چیزی دیگری را نمی‌تواند انجام دهد.... در ماه جون سال ۱۹۹۲ بین سیاف یکی از متحدین ربانی و حزب وحدت جنگ آغاز شد که هر دو قوت های اسلامی ناب محمدی در مناطق مفتوحه شان تجاوز جنسی بر زنان را ارجحیت و اختطاف ها را دوام دادند.

در ماه جنوری ۱۹۹۴ دوستم با توافق و همکاری با گلبدین بر نیرو های ربانی حمله نمودند و درین جنگها که تا آخر سال ۹۴ ادامه پیدا نمود بین ماه جنوری و جون در حدود ۶۵۰۰۰ از همشهریان ما کشته شدند. شورای نظار با همکاری جنرالان پرچمی و خلقی مثل نبی عظیمی، جنرال بابا جان، جنرال آصف دلاور و چند بی‌وجدان دیگر به جنگ‌های داخلی ادامه داده و قسیم فهیم مسؤ ول استخبارات شورای نظار هدایت گر بم انداز ها بود. شورای نظار در جریان جنگ‌های داخلی احزاب و گروه‌های خود فروخته اسلامی از کوه تلویزیون به نام پلنک یک و کوه رادار مشهور به پلنگ دو به حملات و فیر های راکت به هموطنان مظلوم ما از یک طرف و گلبدین از سوی دیگر پرداختند که یکی از وحشیانه ترین کشتار در تاریخ وطن میتوان آن را حساب نمود.

در سال ۹۴ موفقیت غیر پیش‌بینی شده طالبان در قندهار و حرکت شان به سوی کابل، گلبدین به خاطر ضربه زدن به دولت ربانی چهار آسیاب را که مرکز فعالیت‌های نظامی اش بود با تمام اسلحه و مهمات ترک گفت که به اختیار

طالبان قرار گرفت و همزمان حملات مسعود بر حزب وحدت صورت پذیرفت و مزاری به طالبان پیوست که با اجازه دادن به طالبان که وارد کابل شوند در حزب وحدت انشعاب صورت پذیرفت. در سال ۹۲ نیروهای دوستم و وحدت تحت رهبری محقق متحد شدند. قوماندانانهای محلی شان به چپاول اسلامی پرداخته و مرتکب صدها عمل بیناموسی و جنائی گردیدند. در دوره امارت "ربانی" که در هر گوشه و کنار آن یعنی کوچه به کوچه جنگ اسلامی دوام داشت به کانتینر ها پول به دولت "ربانی" از بادران پشت پرده و سابقش یعنی روسها ارسال می شد.

سراسر عمر این نوکر استعمار به خدعه و فریب و شرمندگی سپری شده و بزرگترین شرم و خجالت تاریخی برایش حمله به مردم بی پناه افشار به همکاری مستقیم سیاف و دار و دستة جنایتکارش می باشد که تمام وطنداران ما از جر یان رقت بار آن اطلاع دارند، تشریح جنایات حزب وحدت جای خود را داشته و در زمانش به آن نیز خواهم پرداخت.

سازش و همکاری رهبران اسلامی کشور ما مخصوصاً "ربانی" را با دولت شوروی از نوشتار ذیل می توان استنباط نمود.

فضل الرحمن فاضل و فضل الرحمن وثیق دو تن از کادرهای برجسته "جمعیت اسلامی" و اعضای هیأتی که به تاریخ ۲۰ - ۲۴ عقرب ۱۳۷۰ (۱۱ تا ۱۵ نومبر ۱۹۹۱) تحت ریاست برهان الدین ربانی به مسکو سفر نموده بودند. گزارش این سفر را در رساله ای تحت عنوان (مجاهدین در ماسکو - مذاکرات با روسها) نشر نموده اند آقای فاضل در مورد دقیق بودن این گزارش چنین می نویسد (این جانب از جده تایپ کوچکی خریده بودم تا جریان مذاکره را حرف به حرف ثبت نمایم در اول مردد بودم اما بعداً توکل به خدا نموده آنرا در جیب واسکت خود جای دادم و آنرا به خاطر آرام ثبت نمودم.) آنچه شما مطالعه می نمائید همان است که مستقیماً از نوار پیاده شده است (..... در لحظات پیاده شدن از طیاره در میدان هوایی ماسکو مسعود خلیلی با صدای بلند "آیت الکر" را می خواند و هر کسی ورد و اوراد و دعاهائی را می خواند... تنها استاد ربانی لبخندی بر لب داشت..... ملاقات ها با الکساندر روتسکوی معاون رئیس جمهور روسیه فدراتیف صورت گرفت و راجع به مین پاکتی ها - به وجود آمدن حکومت اسلامی و همکاری با روسیه صحبت شد.... ربانی خواهان کمک شوروی در مورد سقوط دولت نجیب الله می شود و حجت الاسلام سید رحمت الله مرتضوی سخنگوی حزب وحدت اسلامی که در جمله هیأت بود خطاب به روتسکوی می گوید:

شما وقتی دل ملت ما را به دست می آورید که رژیم کابل را که ملت ما نمی خواهد از بین بردارید. به تعقیب آن مولوی محمد نبی محمدی امیر حرکت انقلاب اسلامی با تضرع و التماس می گوید: از روسیه در جهت از میان برداشتن رژیم کابل آرزومندیم و باید نا امید نشویم نگوئید ما در امور داخلی کابل مداخله نمی کنیم این کار مداخله گفته نمی شود..... هیأت مجاهدین روز سه شنبه ۲۱ عقرب ۱۳۷۰ با پانکین وزیر خارجه اتحاد شوروی ملاقات کرده میگویند:

به خاطر صلح و امنیت در افغانستان باید حکومت غاصب و غیر قانونی در افغانستان سقوط کند و قیادت روسیه در زمینه قدم عملی بردارد. هیأت مذکور در ختم مذاکرات بعد از نشر "اعلامیه مشترک مجاهدین- هیأت شوروی و روسیه فدرال" در بعد از ظهر ۲۴ عقرب بار دیگر با روتسکوی ملاقات و او می گوید:

طوری که من وعده داده ام طی یک ماه دیگر ملاقات هائی با ایران و پاکستان و سعودی انجام خواهیم داد که چگونه قدرت را به حکومت انتقالی اسلامی انتقال بدهیم. ربانی قبل از پرواز جانب مسکو به زیارت شهزاده ترکی الفیصل

پسر شاه فیصل و رئیس استخبارات سعودی به جده رفته و شبی را در قصر "الموترات" گذرانده بود همچنان دو تن از نمایندگان آی.اس.آی پاکستان هیأت مجاهدین مقیم پاکستان و سه تن از کارمندان وزارت خارجه ایران هیأت مجاهدین مقیم ایران را در سفر مسکو همراهی می نمودند.

در کتاب "دشنه های سرخ" ادعا شده بود که ربانی علاوه بر مذاکرات رسمی به طور خصوصی هم با سران شوروی ملاقات هائی داشت.

همچنان "آقای فاضل" می نویسد:

در اتاق ایستاده بودم که تلیفون دیگر آمد و آن شخص گفت که من سید محمد گلاب زوی هستم می خواهم نزد استاد آمده و با ایشان صحبت نمایم. پیام شانرا به استاد رسانیدم و استاد موافقه نمودند و گفتند بیاید. آقای گلاب زوی آمدند و نمی خواستند کسی دیگری از آمدن شان مطلع شوند. گلاب زوی به اتاق استاد رفته و در آخر صحبت شان گلاب زوی از نجیب شکایت نموده و اظهار داشت "من یک عسکر هستم و منتظر امر شما هستم"

این بود شمه ای از سازشکاری ها و جنایات استاد ربانی و دار و دسته اش و نا گفته نباید گذاشت که ربانی از قماش جانپان وحشی اسلامی بوده و در آخرین مأموریتی که از طرف باداران امریکائی اش به او محول شده بود رئیس شورای صلح با طالبان بود که بیشرمانه آن ها را همیشه فرشته های صلح خطاب می کرد؟؟؟؟ در اخیر باید یاد آوری نمود:

همین ربانی و دار دسته اش بودند که در زمان حمله امریکا بر خاک ما، خواهان انداختن بم های بیشتر و تباه کن شده و آنها را منحنیث ناجی خود دانسته و در خدمت گذاری شان افتخار می نمودند و این وضع تا امروز هم دوام دارد و این ها: ربانی، سیاف، قانونی، فهیم، دوستم، گلبدین، محقق، خلیلی، عبدالله، علومی، گلاب زوی، اسماعیل، سرور دانش، عطا، پیرم قل، حقانی، یونس خالص، مولوی محمدی، اتمر، امرالله صالح، استاد فرید، بسم الله، جنرال ملک، ملا محمد عمر، ملا ضعیف، استانکزی، چکری، دنگر و صد ها وطن فروش دیگر خاین به ملت بوده مستحق بدترین عقوبت ها می باشند

مآخذ: افغانستان در منگنه تاریخ ترجمه عزیز آریانفر

تحولات سیاسی افغانستان نوشته نصری حشمناس

گزارش گزارشگران فضل الرحمن فاضل و فیض الرحمن وثیق "مجاهدین در مسکو - مذاکرات با رو سها" چاپ

کابل میزان ۱۳۸۱

سیاست مصالحه ملی و جبهه گیری ها در حزب وطن- نوشته ف م ودان

افغانستان و مداخلات خارجی نوشته میر آقا حقجو

گزارش پروژه عدالت افغانستان

ویدیو های شورای علمای افغانستان در هرات

ویدیوی واقعات افشار